

اختلال در تنگه هرمز می‌تواند از بازار انرژی فراتر برود و فشار تازه‌ای بر صنعت هوش مصنوعی و نظام مالی غرب وارد کند

آثار هرمز به وال‌استریت می‌رسد

گروه سیاسی

در نگاه نخست، تنگه هرمز مسئله‌ای مربوط به نفت، گاز و امنیت انرژی جهان به نظر می‌رسد. اهمیت این گذرگاه راهبردی نیز معمولاً با یک شاخص سنجیده می‌شود: چه مقدار نفت از آن عبور می‌کند و اختلال در تردد کشتی‌ها تا چه اندازه قیمت انرژی را افزایش می‌دهد؟ اما در اقتصاد به هم پیوسته امروز، اثر گذاری یک گذرگاه انرژی لزوماً به بازار نفت محدود نمی‌ماند. افزایش قیمت انرژی می‌تواند به تورم، هزینه تولید، نرخ بهره، بازار بدهی و در نهایت تصمیم‌های سرمایه‌گذاری در مهم‌ترین صنایع جهان منتقل شود. یکی از این صنایع، هوش مصنوعی است؛ فناوری‌ای که طی چندسال گذشته به محور اصلی رقابت اقتصادی و فناورانه قدرت‌های بزرگ تبدیل شده و اکنون با یکی از بزرگ‌ترین موج‌های سرمایه‌گذاری تاریخ صنعت فناوری روبه‌روست. از همین زاویه می‌توان رابطه‌ای را بررسی کرد که در نگاه اول چندان آشکار نیست: ارتباط میان تنگه هرمز، وضعیت مالی غول‌های فناوری و آینده حباب احتمالی هوش مصنوعی. مسئله این نیست که اختلال در هرمز به تنهایی می‌تواند صنعت هوش مصنوعی را متوقف کند؛ مسئله این است که این اختلال ممکن است در زمانی اتفاق بیفتد که بخش‌هایی از صنعت فناوری برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های عظیم خود به پول نقد، اعتبار بانکی و اعتماد بازارهای مالی وابستگی بیشتری پیدا کرده‌اند. در چنین شرایطی، یک شوک بزرگ در بازار انرژی می‌تواند فشارهای موجود را تشدید کند و پیامدهایی فراتر از افزایش قیمت نفت به همراه داشته باشد.

هوش مصنوعی؛ صنعتی که سرمایه‌های عظیم می‌بلعد

برای فهم این ارتباط ابتدا باید به ماهیت اقتصادی هوش مصنوعی توجه کرد. برخلاف بسیاری از کسب‌وکارهای نرم‌افزاری گذشته، توسعه و عرضه هوش مصنوعی پیشرفته فقط به طراحی یک نرم‌افزار و فروش حق اشتراک آن محدود نیست. این فناوری به زیرساخت فیزیکی بسیار بزرگی نیاز دارد؛ مراکز داده، هزاران واگه میلیون‌ها پردازنده تخصصی، سورورهای قدرتمند، شبکه‌های انتقال اطلاعات، تجهیزات خنک‌کننده، تأسیسات برق و دسترسی دائمی به انرژی. به بیان ساده، شرکت‌هایی که می‌خواهند در رقابت هوش مصنوعی باقی بمانند، باید شهرک‌های صنعتی دیجیتال بسازند. این شهرک‌ها به جای خطوط تولید و ماشین‌آلات متعارف، مملو از تراشه‌های گران‌قیمت و سورورهایی هستند که شبانه‌روز در حال پردازش اطلاعات‌اند. ساخت چنین زیرساختی هزینه اولیه بسیار بالایی دارد و نگهداری آن نیز به مصرف مداوم برق و تجهیزات نیازمند است. به همین دلیل، توسعه هوش مصنوعی برخلاف تصور رایجی که آن را صنعتی صرفاً نرم‌افزاری و کم‌هزینه می‌داند، به یکی از سرمایه‌برترین فعالیت‌های اقتصادی جهان تبدیل شده است. ابعاد این تحول را می‌توان در مخارج سرمایه‌ای شرکت‌های بزرگ فناوری مشاهده کرد. مایکروسافت در یک فصل حدود ۴۵.۲ میلیارد دلار، آلفابت، شرکت مادر گوگل، حدود ۵۱.۴ میلیارد دلار و آمازون حدود ۷۷.۳ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری هزینه کرده‌اند. مجموع این ارقام به حدود ۱۷۴ میلیارد دلار می‌رسد. این هزینه‌ها صرف ساخت مراکز داده، خرید تراشه‌های پردازشی، تهیه سرورها، توسعه شبکه‌های ارتباطی و گسترش زیرساخت‌هایی می‌شود که امکان عرضه خدمات هوش مصنوعی را فراهم می‌کنند. البته روش گزارش‌دهی مخارج سرمایه‌ای این شرکت‌ها کاملاً یکسان نیست و برخی اقلام، از جمله تعهدات اجاره‌بری نیز معمولاً با یک شاخص سنجیده می‌شود؛ چه مقدار نفت از آن عبور می‌کند و احتلال در تردد کشتی‌ها تا چه اندازه قیمت انرژی را افزایش می‌دهد؟ اما در اقتصاد به هم پیوسته امروز، اثر گذاری یک گذرگاه انرژی لزوماً به بازار نفت محدود نمی‌ماند. افزایش قیمت انرژی می‌تواند به تورم، هزینه تولید، نرخ بهره، بازار بدهی و در نهایت تصمیم‌های سرمایه‌گذاری در مهم‌ترین صنایع جهان منتقل شود. یکی از این صنایع، هوش مصنوعی است؛ فناوری‌ای که طی چندسال گذشته به محور اصلی رقابت اقتصادی و فناورانه قدرت‌های بزرگ تبدیل شده و اکنون با یکی از بزرگ‌ترین موج‌های سرمایه‌گذاری تاریخ صنعت فناوری روبه‌روست. از همین زاویه می‌توان رابطه‌ای را بررسی کرد که در نگاه اول چندان آشکار نیست: ارتباط میان تنگه هرمز، وضعیت مالی غول‌های فناوری و آینده حباب احتمالی هوش مصنوعی. مسئله این نیست که اختلال در هرمز به تنهایی می‌تواند صنعت هوش مصنوعی را متوقف کند؛ مسئله این است که این اختلال ممکن است در زمانی اتفاق بیفتد که بخش‌هایی از صنعت فناوری برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های بزرگ